

## خیلی دور خیلی نزدیک

### گفت و گوی تمدن‌ها، آغازی دیگر در ایران مریم آریایی

سیدمحمد خاتمی همان گونه که در دوران ریاست جمهوری‌اش گفته بود، پس از پایان مسئولیت بیشترین توجه و تلاش خود را بر پیشبرد ایده گفت‌وگوی تمدن‌ها متمرکز کرد. او با تأسیس موسسه بین‌المللی گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در ایران در قالب نهادی غیردولتی از نیمه دوم سال پیش فعالیت‌های جدید نظری و عملی را در این باب آغاز نمود. برگزاری دو نشست با حضور متفکران ایرانی از حوزه‌های مختلف علمی در روزهای ۱۸ آبان و ۱۵ دی ماه سال ۱۳۸۴ از جمله این تلاش‌ها بود که به بحث و گفت‌وگو پیرامون «رویکرد مطلوبه فرصت‌ها و تهدیدها» اختصاص داشت. در اولین نشست پس از سخنان احمد مسجدجامعی، مدیرعامل موسسه خاتمی به چشم‌اندازهای جهانی گفت‌وگوی تمدن‌ها و طرح آن در مجامع علمی و بین‌المللی و فراز و فرودهای آن در ایران پرداخت. او گفت: «سرنوشت بحث گفت‌وگوی تمدن‌ها در ایران مثل همه حوادثی رقم خورد که به وجود می‌آیند می‌درخشند و پس از مدتی به دلایل مختلف که یافتن این علت‌ها نیاز به تحلیل‌های عمیق فلسفی و جامعه‌شناختی دارد، محو می‌شوند، اما نمی‌توان این مساله را رها کرد بلکه باید آن را تلاوم داد... البته مساله گفت‌وگوی تمدن‌ها به موسسه‌ای که در ایران است، منحصر نخواهد ماند و در عرصه بین‌المللی و در جاهای دیگر هم به فعالیت خود ادامه خواهد داد.» خاتمی با اشاره به فعالیت جدیدی که با عنوان «اتحاد تمدن‌ها» از سوی نخست‌وزیر اسپانیا و دبیرکل سازمان ملل متحد در امتداد ایده گفت‌وگوی تمدن‌ها شکل گرفته است، گفت: «۱۸ نفر از سراسر دنیا توسط آقای کوفی عنان تعیین شدند برای بحث درباره اتحاد تمدن‌ها و سازوکار و برنامه‌هایی که از نظر محتوا و شکل داشته باشد که بنده هم دعوت شده‌ام.» او اساس این گونه فعالیت‌ها را اهمیت یافتن گفت‌وگو بویژه در حوزه‌های فعال فرهنگی و سیاسی جهان دانست: «واقعیت این است که وقتی جنگ تمدن‌ها یا گفت‌وگوی تمدن‌ها مطرح می‌شود، اگر نگوئیم منحصر به مساله تقابل اسلام و غرب است، می‌توان گفت مهم‌ترین محور این فعالیت‌ها همین مساله است.»

خانمی با تاکید بر زمینه‌های کاربردی گفت‌وگوی تمدن‌ها در حوزه‌های عموم بشری و برای پرداختن به مسائل مبتلا به جهان به درخواست پروفسور شواب، اقتصاددان برجسته سوئیس در «داووس» اشاره کرد که معتقد بود در کنار فعالیت‌های اقتصادی، نیاز به برگزاری همایش‌هایی در عرصه‌های فرهنگی و سیاسی احساس می‌شود. شواب برای همین منظور از پنج تن از متفکران جهانی در حوزه فرهنگ از جمله خانمی دعوت کرده و با استقبال از پیشنهاد خانمی مبنی بر تاسیس یک مجمع جهانی گفت‌وگوی تمدن‌ها، اظهار داشته بود این مجمع می‌تواند مکمل آن موسسه اقتصادی در جهت کاهش بحران‌های جهانی باشد.

خانمی در نشست نخست با تبیین مواجهه‌های تاریخی اسلام و غرب و گونه‌ها و آثار کنونی این رویارویی‌ها در دو جهان اسلام و جهان غرب بر ضرورت مشخص شدن سخنگویان واقعی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، مسائل امروز گفت‌وگو و یافتن سازوکارهای انجام آن تاکید کرد. در این نشست دکتر هادی خانیکی، دکتر علی پایه، خانم دکتر فاطمه راکمی، دکتر نجفقلی حبیبی، دکتر حسین سلیمی، وحید اسلامی، دکتر سیدمحمدرضا بهشتی، دکتر امیر ارجمند، دکتر حسین نژاد، دکتر سیدعلیرضا بهشتی و دکتر تقی آزاد پیشنهادهایی برای پیشبرد ایده گفت‌وگوی تمدن‌ها در این مرحله جدید ارائه کردند.

آنچه در پی می‌آید، برخی از این راهکارهای پیشنهادی است:

\* توجه به گفت‌وگوی تمدن‌ها به عنوان یک برساخته اجتماعی مرکب از شبکه‌های معنایی و تلاش برای استخراج ظرفیت‌های ذخیره آن و ابداع ظرفیت‌های جدید؛  
\* تبدیل گفت‌وگو به یک شیوه زیست و افزایش حاملان آن؛  
\* قرار دیدن کنشگران گفت‌وگو از حد دولت-ملت‌ها و ایجاد و تقویت ساختارها و نهادهای مناسب در سطوح ملی و بین‌المللی؛  
\* ضرورت یافتن معیارهای غیرجغرافیایی برای گفت‌وگو و تفکیک میان مدرنیته و غرب؛

\* شناخت عناصر اصلی تشکیل دهنده تمدن‌های اسلامی و غربی و تبیین نقاط اختلاف آن‌ها برای گفت‌وگو؛

\* ضرورت شناخت و استفاده از ظرفیت‌های نوین هنری و ادبی برای تحقق گفت‌وگوهای تمدنی؛

\* توجه ویژه به ظرفیت‌های سینما و تئاتر؛  
\* ضرورت نقد مونولوگ در نظر و عمل؛

\* ضرورت نقد عملکردها، اهتمام به نظریه‌پردازی در باب گفت‌وگو و کاهش دادن فاصله‌ها نسبت به جهان؛

\* استفاده از تجربه‌های فراوان جهانی در عرصه گفت‌وگو و گسترش ارتباط میان متفکران در سطوح ملی و بین‌المللی؛

\* توجه بیشتر به حوزه تاثیرگذاری عمومی، اهتمام به امر آموزش، آموزش مهارت‌ها و کاربردی کردن مفاهیم گفت‌وگو؛

\* ضرورت تاکید بر گفت‌وگو و جوانان؛  
\* ضرورت توجه بیشتر به وجه ایرانی گفت‌وگو در ایران؛

\* فهم نقش موثر ادیان در گفت‌وگو و توجه به گفت‌وگوی میان ادیان؛  
\* اولویت‌بندی مسائل بین‌المللی و پرداختن به دغدغه‌های مهم جهان‌بینی صلح،

دموکراسی، حقوق بشر، توسعه و محیط‌زیست از منظر گفت‌وگو؛  
\* ضرورت تبیین مسائل مبتلا به فرایند جهانی شدن و شناخت نظام جهانی؛

\* تاکید بر گفت‌وگوهای درون‌تمدنی و درون‌فرهنگی در کنار گفت‌وگوهای میان تمدن‌ها و فرهنگ‌ها؛

\* تعامل میان رشته‌ای در فهم و تبیین گفت‌وگو و نقد نگاه محدود از حوزه یک رشته به آن؛

\* پذیرش تعدد و تکثر در گفت‌وگوی تمدن‌ها؛  
\* آسیب‌شناسی خود و دیگری در امر گفت‌وگو و اهتمام به شناخت واقعی اندیشه

و اندیشه‌ورزان غرب؛

\* ضرورت نقد نگاه تبلیغاتی به گفت‌وگو و تحول رویکرد گفت‌وگو به گفت‌وگوی میان اندیشه‌ها و فرهنگ‌ها؛

\* ضرورت تشکیل و سامان‌دهی گروه‌های تخصصی در چارچوب اولویت‌های گفت‌وگو.

نشست دوم گفت‌وگو؛ چشم‌اندازهای دیگر:

در نشست دوم موسسه بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها، پس از گزارش مدیرعامل موسسه، علی‌اصغر محمدخانی، عهده‌دار مدیریت جلسه شد و دکتر حمیدرضا جلالی‌پور، کامبیز نوروزی، دکتر یونس شکرخواه، دکتر محسن کدیور، دکتر مصلح، دکتر ناصر هادیان، محمدتقی فاضل میبندی، دکتر غلامعلی خوشرو و خانم دکتر شبیری به بیان نظرات، نقدها و پیشنهادهای خود پرداختند.

شناساندن شیعه مدنی، علل تناوب اسلام بنیادگرا، تمرکز بر فرهنگ‌ها و تمدن‌های فلات ایران، تبیین پاسخ‌های روشن در قبال ناسیونالیسم قومی و مدرنیته از جمله رویکردهای پیشنهادی دکتر حمیدرضا جلالی‌پور (جامعه‌شناس) بود.

کامبیز نوروزی (حقوقدان) با طرح مقدمه‌ای در باب رابطه میان حقوق و مناسبات اجتماعی، به ضرورت توجه به دو نکته اشاره کرد: اول این که دو هویت واحد باید با یکدیگر گفت‌وگو کنند و دیگر این که برابری قدرت هویت‌ها در فرایند گفت‌وگو وجود داشته باشد.

«گفت‌وگو در سطح نظری پسندیده است اما زمانی که قرار است در سطحی مطرح شود که منشا اثرسیاسی، اجتماعی شود دو پرسش را می‌طلبد: اول این که هویت ما چیست و آیا هویت ما را طرف مقابل می‌پذیرد؟ و آیا ما با موضوع برابر دارد یا نه؟ آیا این اختیار را داریم که تا پایان گفت‌وگو «ما» باقی بمانیم؟»

دکتر یونس شکرخواه محقق علوم ارتباطات با تاکید بر فضای وب، به مثابه فضای ارجاعی که هر چیزی در آن جای مابه‌ازای بیرونی خود را می‌گیرد، می‌گوید «فضای وب باعث شده در بحث گفت‌وگوی تمدن‌ها با هویت‌های متفاوت روبرو باشیم.

بر اثر این فضای به وجود آمده نوعی ترکیب تمدنی و هر کس ممکن است در کشور خود تمدن نقطه دیگری از جهان را داشته باشد، افراد از خاک خود مهاجرت کرده‌اند و امروز بحث گسل‌های تمدنی هائیتینگون هم به چالش کشیده شده است.»

به نظر او «ما در فضای Super mention قرار گرفته‌ایم؛ فضایی که معنای بدلی و اصلی آن کنار هم نشسته‌اند.» از این رو نقل تمدنی از شهرها به فضای وب منتقل شده و به همین دلیل، نمی‌توان این فضا را نادیده گرفت.

دکتر محسن کدیور، استاد فلسفه و روشنفکر دینی، با نگاهی انتقادی سعی در روشن کردن مسیر گفت‌وگو داشت. او معتقد است ایده گفت‌وگوی تمدن‌ها از ابتدا با ابهام ذاتی مواجه بوده است و این ابهام باید رفع شود.

کدیور سوالاتی مطرح کرد، از جمله این که هنگامی که ایده گفت‌وگوی تمدن‌ها مطرح شد، رییس جمهور یک کشور از سوی نظامی که تا آن زمان اهل گفت‌وگو نبود، این ایده را مطرح کرد. اما اکنون باید روشن کرد که پشتوانه این گفت‌وگو چیست و چرا ضرورت دارد که یک موسسه و مجموعه پشت سر آن باشد. همچنین

باید به درستی تبیین کرد که ما می‌خواهیم از چه چیز گفت‌وگو کنیم؟ چه هویتی داریم؟ ما ایرانی، مسلمان و شیعه، با سنجش اجتماعی اصلاح طلب و اهل صلح و مدارا هستیم. آیا می‌خواهیم با این هویت وارد شویم؟ در این گفت‌وگو چه می‌دهیم

و چه می‌گیریم؟ در غیر این صورت در طرف مقابل مضمحل خواهیم شد. اضافه کردن نام فرهنگ به این موسسه نیز بی‌معنا نیست. آیا می‌توانیم به عنوان نماینده یک فرهنگ وارد گفت‌وگو شویم؟

کدیور همچنین بر اولویت رویکرد گفت‌وگو در داخل و نیز گفت‌وگوی خرده‌فرهنگ‌ها، گفت‌وگو بین ادیان و مذاهب نسل‌ها و روش‌های مختلف اجتماعی در قیاس با

مفاهیم کلی تاکید کرد.

دکتر مصلح (استاد فلسفه) از تجربیاتش در مرکز رسمی گفت‌وگوی تمدن‌ها آغاز کرد و با طرح این سوال که «آیا در گفت‌وگوی میان فرهنگ‌ها، ما به عنوان جامعه ایرانی وارد گفت‌وگو خواهیم شد یا نه؟» اظهار داشت: «جامعه ایرانی اگر بخواهد

وارد عرصه گفت‌وگو شود، نیازمند این است که مردم احساس کنند در چه دنیایی حضور دارند. جامعه ما به شدت دچار فیلترینگ است و اخبار واقعی به گوش مردم نمی‌رسد.»

به اعتقاد او همچنین باید نسبت اهداف این موسسه با تحولات جامعه ایرانی مشخص شود.

دکتر هادیان (استاد علوم سیاسی) به تفاوت جنس «گفت‌وگوی تمدن‌ها» و «جنگ تمدن‌ها» اشاره کرد و ادامه داد: بسیاری تصور می‌کنند که هر دو از یک جنس هستند و یکی ستیز و دیگری گفت‌وگو را مدنظر دارد. یا وجود همه انتقادهایی که به نظریه هانتینگتون وارد بود، به دلیل این که اکثر ستیزها درون تمدنی بود، نه بین تمدنی؛ اما به هر حال این تئوری معطوف به واقعیت است، در حالی که گفت‌وگوی تمدن‌ها معطوف به واقعیت نیست و از جنس هنجار و ارزش است.

او با طرح سوال «چه باید کرد؟» انجام بحث‌های صرفاً دانشگاهی را استفاده مفید از موسسه و ایده مشخص خاتمی نمی‌داند و معتقد است استفاده مفیدتر هنگامی به دست می‌آید که این جا به نهاد حل منازعه تبدیل شود.

به نظر هادیان این موسسه می‌تواند در عرصه بین‌المللی چند تن از رهبران سیاسی مطرح دنیا را گرد هم آورد تا به جز گفت‌وگو به راهکارهای علمی برای حل معضلات هم پرداخته شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین فاضل میبیدی (محقق علوم دینی) با بیان این که عصاره فرهنگ و تمدن‌ها را ادیان و مذاهب تشکیل می‌دهند، می‌گوید: گفت‌وگو را باید از سکوی ادیان آغاز کنیم. در حالی که در خاورمیانه

بنیادگرایی و اسلام خشونت‌طلب بیشتر خودنمایی می‌کند، بسیاری از روشنفکران مذهبی که می‌توانند نماینده اسلام صلح‌طلب باشند، پراکنده‌اند.

بنابراین می‌توان با برگزاری کنفرانس‌هایی که در داخل و چه در خارج، از روشنفکران مذهبی و

نواندیشان دینی دعوت کرد تا یکدیگر را بشناسند. بهترین مرجع برای این کار موسسات غیردولتی هستند، زیرا اگر کار از دولت‌ها آغاز شود، منجر به ایجاد

تفاهم نمی‌شود.

در ادامه این هم‌اندیشی، دکتر غلامعلی خوشرو، در تذکری کوتاه یادآوری کرد هانتینگتون ستیز تمدن‌ها را برای سیاست‌ورزی مطرح کرد، اما گفت‌وگوی تمدن‌ها معطوف به سیاست‌ورزی نیست، بلکه در پی بازگرداندن موجی برای سرکوب تخصص‌هاست.

خانم دکتر شبیری بعد از پایان گفتار حاضران، گزارشی از سفر خاتمی به اسپانیا ارائه کرد. او از استقبال اندیشمندان و روزنامه‌نگاران از خاتمی در اسپانیا گفت و ادامه داد: در بحث ائتلاف تمدن‌ها، ابتدا این تلقی وجود داشت که این یک جایگزین برای گفت‌وگوی تمدن‌هاست. اما آقای خاتمی تاکید کردند که تا گفت‌وگو نباشد تفاهمی ایجاد نمی‌شود و در بنیانه پایانی اجلاس ائتلاف تمدن‌ها، بر ادامه راه گفت‌وگوی تمدن‌ها تاکید شد.

در پایان، سیدمحمد خاتمی، و میزبان هم‌اندیشی با قدردانی از نظرات ارائه شده، این نظرات را در گشودن افقی در زمینه گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها موثر دانست و اظهار امیدواری

کرد بتوان از نظرات ارائه شده در برنامه‌ریزی‌های آینده استفاده کرد.

رئیس موسسه بین‌المللی گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها با اعتقاد به این که انسان چیزی جز پرسش و نیاز نیست، گفت: اگر پرسش و نیاز، ذات انسان است - که چنین است - تمدن پاسخی به این پرسش و نیاز است؛ بنابراین بسته به نوع پرسش و نوع نیاز و نوع پاسخی که به آن‌ها داده می‌شود، تمدن‌های مختلفی وجود دارد.

خاتمی در تبیین نسبت میان فرهنگ و تمدن شان سخت پاسخ به این نیازها و پرسش‌ها را تمدن و شان نرم آن‌ها را فرهنگ می‌داند. به نظر او مشکل این جاست که بخش سخت تمدن‌ها از بین می‌رود و بخش نرم تمدن‌ها که فرهنگ است دیرپاتر بوده و تا مدت‌ها باقی می‌ماند.

رئیس مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها با بیان این که امروز تمدن غرب تبدیل به تمدن غالب شده است، عنوان کرد: «ما در دنیای امروز به شدت تحت تاثیر تمدن

غرب قرار گرفته‌ایم و بسیاری از موارد را در زندگی و روابط اجتماعی و بسیاری از معیارهایی را که تمدن غرب برای روابط اجتماعی و حکومت پذیرفته است، پذیرفته‌ایم. برای مثال مساله دولت-ملت (State - Nation) در دنیا پذیرفته شده است. مشکل ما جدا شدن وضع زندگی عینی - که متأثر از تمدن غرب است - از بقایای ذهنی است که متأسفانه با فرهنگ و تمدن پیشین است؛ ما غیر غربی‌ها باید این تضاد را حل کنیم.»

خاتمی با گفتن این که «باید مشخص شود ما از کدام اسلام و فرهنگ صحبت می‌کنیم»، چنین ادامه داد: «این که گفته می‌شود کدام اسلام را نمایندگی می‌کنیم، اصلاً به معنای نمایندگی از دولت-ملت یا یک قوم نیست، بلکه بحث این است که آیا صدایی هست که بتوانیم بگوییم این صدا را در دنیای اسلام در مقابل صدای دیگری که وجود دارد، می‌شنویم و قبول داریم؟ این که چه کسانی این صدا را پذیرفته یا می‌پذیرند و یا نحوه پایدار شدن این صدا در متن جامعه اسلامی چه باید باشد، حرف دیگری است.»

طراح ایده گفت‌وگوی تمدن‌ها، فرو رفتن همه بحث‌های فلسفی، فقهی، حقوقی و تاریخی در حفره تاریک سیاست را به سپاه‌چاله‌های فضایی که ستارگان و اجرام سماوی را به سوی خود می‌کشند تشبیه کرد و گفت: «در دنیای امروز هم به خاطر بلند بودن صدای خشونت‌طلبان و هم طراحی و برنامه‌ریزی محافظ قدرت غربی برای بلند نشان دادن این صدا، باید نشان دهیم که صدای دیگری هم در دنیای اسلام وجود دارد. فضا به گونه‌ای است که مساله «اسلام‌هراسی - اسلام‌فوبیا» و غالب نشان دادن صدای خشونت‌نگرا

در دنیای اسلام نیاز بخش‌هایی از قدرت دنیاست و قدرت‌های مسلط در غرب این ترس را برای تامین نیازهای مادی و اقتصادی خود ایجاد می‌کنند.» او با انتقاد از این که چرا امروز تنها موضوع «اسلام و سکولاریسم» و «اسلام و پلورالیسم» برجسته می‌شود، به ضرورت طرح سوال درباره نسبت میان «دین و سکولاریسم» و «دین و

پلورالیسم» می‌پردازد و ادامه می‌دهد: آیا همه ادیان، مشکل خود را با سکولاریسم و پلورالیسم حل کرده‌اند و تنها اسلام نمی‌تواند مشکل خود را حل کند؟ آیا واقعا مشکل ما تنها این است که سکولاریسم و پلورالیسم را بپذیریم؟ آیا اساساً تعمیم سکولاریسم و پلورالیسم به همه جهان یک نظر ضدعلمی نیست؟ چرا که سکولاریسم یک پدیده اجتماعی، تاریخی متعلق به یک تمدن است. آیا این غرب محوری و غرب را ملاک حقانیت دانستن، حذف همه دنیا و پذیرفتن معیارهای تجربه شده در غرب نیست؟ و یا این که این خود یکی از موانع تفاهم ملت‌ها و انسان‌ها نیست؟

خاتمی با تاکید بر این که دنیای اسلام باید نوعی تجدد را بپذیرد و ملاک‌ها و معیارهای تجدد را بشناسد، ادامه داد: قطعا مقدار زیادی از این معیارها و ملاک‌ها، با آن چه در دنیا تجربه شده، متناسب خواهد بود. سوال این است که تجدد اسلامی چیست؟ چه کسی باید درباره آن بحث کند؟ در کجا باید مورد بررسی قرار گیرد؟ آیا صدایی هست که این موضوعات را بیان کند؟ اگر

سکولاریسم را نمی‌پذیریم - به دلیل این که به لحاظ فلسفی و فرهنگی در تاریخ و تمدن خاص خود، یعنی تمدن غربی ریشه دارد و در این چارپایه ندارد و نمی‌توان بدون ریشه آن را در جایی پرورش داد - آیا این به معنی بازگشت به عقب و نفی چیزهایی است که برای انسان مقدر شده، از جمله تحول و تغییر؟

آیا پرسش‌های انسان امروز همان پرسش‌های زمان گذشته است؟ آیا احیای تمدن‌های گذشته امکان‌پذیر و درست است؟ آیا باید همان تمدنی که در قرن چهارم هجری در دنیای اسلام تحقق یافته بود، محقق کنیم و دچار توهم شویم و اسلامی کردن جامعه را به معنای پیاده کردن یا پایدار کردن جهان اسلام که در گذشته و مربوط به زمان دیگری بوده است، معنا کنیم؟ این‌ها بحث‌های درون اسلامی است که باید پرورش داده شوند.

خاتمی با اعتقاد به این که امکان گفت‌وگو وجود دارد و باید نحوه آن و چگونگی نزدیک شدن را بررسی کنیم،

اظهار داشت: شاید بهترین جایی که می‌توان این بحث را مطرح کرد، همین موسسه در ایران و یا مرکزی باشد که در خارج از کشور تشکیل می‌شود. خاتمی در پاسخ این سوال که آیا برای اهل فکر بدون انگیزه سیاسی در دنیا دغدغه مشترکی برای گفت‌وگو وجود دارد، گفت: می‌توان بسیاری از امور مشترک را برای گفت‌وگو شناسایی کرد و از این طریق به راه‌حل‌های مناسبی رسید. از محیط زیست گرفته تا خشونت، جنگ، تروریسم و مسائل دیگر. این‌ها نمونه‌هایی از موضوعاتی است که کسانی که از درون تمدن‌ها و فرهنگ‌های مختلف آمده‌اند می‌توانند درباره آن‌ها به توافق برسند. اما این که این راه‌حل‌های توافق شده در عمل هم ضمانت اجرا داشته باشند، مساله و مرحله بعدی است.

رئیس موسسه بین‌المللی گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها گفت: اگر قرار است یک موسسه غیردولتی بتواند در این زمینه منشا اثر باشد، معتقدم همین موسسه بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها از جمله در خارج از کشور است که با حضور شخصیت‌های برجسته دنیا و امکان نفوذ اجمالی در ارگان‌ها و سازمان‌هایی که می‌توانند در دنیا منشا اثر باشند، می‌تواند چنین کاری را پی بگیرد. چون دنیا هم از لحاظ فکری آماده این مساله است و هم از لحاظ عملی امکانات بیشتری برای این کار اختصاص داده خواهد شد. همچنین می‌توان از طریق سازمان ملل، یونسکو و سازمان‌های بین‌المللی دیگر به توافق‌ها و سازوکارهایی رسید که منشا عملی و اجرایی داشته باشند؛ حتی می‌توان با بسیاری از دولت‌ها تعامل داشت که برنامه‌هایی برای آموزش و گسترش این مفاهیم فراهم کنند. این که با گفت‌وگوی تمدن‌ها دنیا بهشت شود، خیال باطلی است اما راهی جز این وجود ندارد و اگر قرار است از لحاظ تئوری و عملی به نتیجه‌ای برسیم، از طریق همین راه و با تشکیلاتی خواهد بود که جنبه بین‌المللی داشته باشد. طراح ایده گفت‌وگوی تمدن‌ها با تاکید بر ضرورت پرهیز از زبان تئولوژیک که در آن زبان، سلاح است و برای اثبات

حقیقت یا دفاع از آن چیزی به کار می‌رود که صاحب تئولوژی دارد، یا زبان مراودات بازرگانی و همچنین زبان مذاکرات و محاورات سیاسی برای گفت‌وگو، معتقد است زبان دیالوگ باید زبان «تعارف» باشد.

خاتمی در ادامه این پرسش را مطرح می‌کند که آیا می‌توانیم این زبان را به این‌ها تبدیل کنیم که هم دیگری خود را درون آن ببیند و هم ما در این زبان دیگری و گفت‌وگوی با دیگری خود را و نقاط مشترکمان را بیابیم و بررسی کنیم که آیا راه‌حلی برای رسیدن به نقاط اختلاف و راه‌حل‌های جدید برای رسیدن به تفاهم وجود دارد؟

«در دیالوگ نباید کار را از نقاط اختلاف آغاز کرد، بخصوص در آن بخش دیالوگ که ناظر به عمل است. دیالوگ باید از نقاط اشتراک آغاز شود و بعد بکوشیم به راهکارهایی برسیم که ضمانت اجرایی داشته باشند.»

خاتمی به عنوان مثال به مساله محیط‌زیست که مساله بحرانی و مهم دنیای امروز است اشاره کرد و گفت: می‌توان از دیدگاه فرهنگ‌ها و ادیان مختلفه به جست‌وجوی راهکار و تفاهم برای یافتن راه‌حل پرداخت. هرچند دولت‌ها هم این کارها را دنبال می‌کنند ولی در مباحث اختلافی و بر سر منافع اقتصادی و سیاسی همه میزها را کنار می‌گذارند، اما فرهنگ‌ها می‌توانند با مشکلات کمتری به تفاهم برسند.

رئیس موسسه بین‌المللی گفت‌وگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها با تاکید بر ضرورت ایجاد زمینه گفت‌وگو به تجربه بنیاد کوریر آلمان اشاره کرد- که سالانه ده‌ها دانشمند، متفکر و شخصیت علمی، فرهنگی و سیاسی را برای گفت‌وگو بدون تعیین موضوع دعوت می‌کند و از نتیجه این صحبت‌ها مطالب خوبی استخراج می‌شود- و گفت: همین که عده‌ای گفت‌وگو و تبادل نظر کنند، مفید است و می‌توان موضوع‌یابی کرد و از این منظر به یافتن راه‌حل‌های مشترک رسید. معتقدم که می‌توان در این زمینه کار کرد و اکنون زمینه به لحاظ جهانی و افکار عمومی مساعد است. خاتمی در پایان با بیان این که در هشت سال گذشته فعالیت‌های خوبی در زمینه

گفت‌وگوی تمدن‌ها انجام شده است، تاکید کرد: کار از صفر شروع نمی‌شود و کارهای ارزشمندی انجام شده که در حرکت‌های آینده از آن‌ها بهره خواهیم گرفت.

